



یادداشت



برای پیشبرد اهداف سازمانی در هر جامعه‌ای سه رکن اساسی نقش عمده دارند: بودجه، تجهیزات، و نیروی انسانی. اگر بپذیریم که در درازمدت برنامه‌ریزی و صرف درست بودجه از یک سو و پیش‌بینی و به‌کارگیری مطلوب تجهیزات از سوی دیگر موکول به حضور نیروی انسانی فهیم و کارآمد است، می‌توان دریافت که نیروی انسانی در گردش امور و مدیریت سازمانی حائز بالاترین مرتبه اهمیت است. بر همین قیاس امر تربیت و آماده‌سازی این رکن عمده - یعنی نیروی انسانی - نیز علی‌القاعده می‌بایست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز در بخش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و غیره، طبعاً جزو سرمایه‌گذاریهای بلندمدت است، و تنها درک درست اجتماعی و آینده‌نگری مسؤولان و مدیران در مراتب مختلف مملکتی می‌تواند ضرورت چنین سرمایه‌گذاری بلندمدتی را بپذیرد یا توجیه کند.

آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی از آغاز شکل‌گیری آموزش رسمی آن در ایران - علی‌رغم عمر بالنسبه کوتاهش - با نوسان‌ها و فراز و نشیب‌های بالنسبه فراوانی روبه‌رو بوده است. برنامه‌ها به تناسب ضرورتها و بعضاً سلائق فردی دگرگون شده و به دلیل تفاوت در مبنای برنامه‌ای - ضرورت یا سلیقه فردی - هم دارای نقاط قوت و هم حاوی نقاط ضعف است.

تغییر در استراتژیهای مملکتی و انتقال تربیت نیروی انسانی برخی مقاطع تحصیلی از مراکز آموزش عالی به سازمانهای ذریع و دگرگونی در هرم تصمیم‌گیری - فی‌المثل انتقال از فرهنگ و آموزش عالی به سازمان امور استخدای - تأثیری عمده بر عملکرد

برنامه‌های مقاطع دیگر در دانشگاهها برجای گذاشته است. از سوی دیگر سفارش تربیت نیروی انسانی از سوی برخی سازمانها به دانشگاهها در چارچوب عقد قرارداد یا معرفی بورسیه و امثال آن، اهداف برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی را تحت تأثیر قرار داده و بازنگری آنها را اجتناب‌ناپذیر نموده است.

آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران، در حال حاضر دچار بحران شدیدی است. حضور اهرمهای فشار از جهات مختلف، مراکز آموزشی این رشته را در موقعیتی قرار داده است که اخذ هرگونه تصمیم نادرست خطر انزوای دانش‌آموختگان این رشته را در پی دارد. این اهرمها هم از سوی مراکز نیازمند به نیروی انسانی و هم از جانب نظام تکنولوژی در حال دگرگونی است که از خارج از این عرصه بر نظام اطلاع‌رسانی - در مقیاس جهانی - نشانه رفته است.

این نگرانیها دست‌اندرکاران مجله پیام کتابخانه را بر آن داشت که از گروههای مختلف درگیر با این رشته - اعم از مدرّس، مدیر، دانشجو - کسب نظر کنند، و نظرات آنان را عیناً در مجله درج نماید و در معرض قضاوت گروه وسیعتری از مخاطبان قرار دهد. باشد که برخی از اشارات به اتخاذ تصمیم‌های مناسب در این زمینه بینجامد. برای این منظور ۱۲ پرسش کلی مطرح شد که تصوّر می‌رفت بخش عمده‌ای از مسائل آموزشی این رشته را دربرگیرد. این پرسشنامه‌ها در سال ۱۳۷۲ برای افراد مختلف که فکر می‌شد تجربه‌ای یا نقطه‌نظری دارند ارسال گردید. برخی معبّت کردند و پاسخ کلیه سؤالات را به تفکیک ارائه دادند، برخی ترجیح دادند که به یک یا چند پرسش مشخص پاسخ دهند، و گروهی نیز با این توجیه که «اگر چیزی بگوییم ممکن است به فرد یا افرادی



بربخورد» از پاسخ دادن طفره رفتند - که البته چنین توجیهی خود بیان‌کننده نقطه نظر ایشان نسبت به وضع موجود آموزش در این رشته است - معدودی نیز بی تفاوت از کنار آن گذشتند و قضیه را با سکوت برگزار کردند. اما مجله از این واکنشها عبرت آموخت، که اگر وضعی هست باید دغدغه‌ای هم باشد. اگر دغدغه‌ای نیست پس چند و چون آموزش این رشته برای گروهی چندان اهمیت ندارد، و این همان خطری است که در آغاز سخن بدان اشاره شد.

اشارت مکرر به آنچه در پاسخ به سؤالات مطروحه در این شماره درج شده حاکی از آن است که دردها و ضعف‌ها - و بعضاً قوتها - کم و بیش برای همه علاقه‌مندان روشن است و گاه راه‌حلهای پیشنهادی نیز به نقاطی مشترک منتهی می‌شود، و این خود نشان می‌دهد که چه بسا پاسخ محتمل آن گروه که پاسخ نداده‌اند نیز چندان متفاوت با آنچه درج شده است نباشد. برخی پاسخها با یکدیگر تفاوت یا تعارضهای چشمگیر دارند، ولی چون اصل بر این بوده است که نظر افراد بدون هیچ تصرفی تحت نام خود آنان درج شود عیناً منعکس گردیده، هرچند که ممکن است نظر مجله نیز به سمت و سویی دیگر باشد.

به هر حال جا دارد که از کلیه کسانی که به پرسشها - بعضاً یا کلاً - پاسخ داده‌اند سپاسگزاری شود، خصوصاً که تعلق علمی و عاطفی خود را به این رشته بدون دخالت برخی ملاحظات شخصی آشکار ساختند.

پرسشهای دوازده گانه یک بار در این یادداشت درج می‌شود و در متن پاسخها تنها به شماره پرسشها اکتفا شده است. برای پرهیز از هرگونه ارزشگذاری، پاسخها به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده‌گان در مجله منعکس گردیده است.

سیاهه پرسشها به قرار زیر است:

۱. برنامه‌های درسی این رشته را در مقاطع مختلف چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

۲. چه برجستگیها یا کاستیهایی در روش تدریس مدرسان این رشته می‌شناسید؟

۳. کتابخانه‌های مورد استفاده دانشجویان این رشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴. چه تجهیزات و لوازمی را برای دانشجویان مقاطع مختلف این رشته اجتناب‌ناپذیر می‌دانید؟

۵. مدرسان گروههای آموزشی این رشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۶. آیا جایگاه تشکیلاتی گروهها و رابطه آنها را با سازمانهای مادر فعلی مناسب می‌دانید؟

۷. شیوه گزینش دانشجو برای مقاطع مختلف این رشته را دارای چه نقاط قوت و وضعی می‌دانید؟

۸. رابطه مقاطع مختلف تحصیلی و دوره‌های آموزشی کوتاه و بلندمدت دانشگاهی و سازمانی موجود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۹. رابطه گروههای آموزشی این رشته با یکدیگر چگونه است و چگونه می‌تواند باشد؟

۱۰. رابطه گروههای آموزشی با سایر گروههای آموزشی همجوار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱۱. رابطه آموخته‌های فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف این رشته با بازار کار را چگونه می‌بینید؟

۱۲. اگر پیشنهادی کلی برای بهبود آموزش این رشته دارید بیان فرمایید.

امید است نظرهای عرضه شده بتواند در بهبود برنامه‌های آموزشی تأثیری هرچند اندک بر جای گذارد.

عباس حسری